

پیام به کنگره ی بزرگداشت علامه آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی - 24 / اسفند / 1391

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به کنگره ی بزرگداشت علامه آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، صاحب کتاب عروه، با اشاره به ضرورت بررسی شاکله فکری مرحوم سید کاظم طباطبایی یزدی، بر شناساندن و معرفی جهات مختلف شخصیتی ایشان برای افکار عمومی تاکید کردند. متن پیام رهبر معظم انقلاب که بر گرفته از بیانات ایشان در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره ی بزرگداشت علامه آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی در تاریخ 1391/3/22 است، و صبح امروز (پنجشنبه) از سوی حجت الاسلام و المسلمین محمدی گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری در این کنگره در شهر قم قرائت شد، به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً من تشکر میکنم از آقایان محترم به خاطر همت گماشتن بر معرفی شخصیت برجسته ای مثل مرحوم آسید محمد کاظم یزدی (1) ؛ خود این به نظر من جای تشکر فراوان دارد. مرحوم سید یزدی با اینکه در محفل علمی فقهی ما جزو فقهای درجه ی اول است - یعنی عروه ی (2) ایشان در اختیار همه است، همه بر او حاشیه میزنند ؛ از وقتی که عروه بُروز کرده، کمتر دیده شده که فقها ی ما، مراجع ما، به مثلاً نجاه العباد و بقیه ی کتابهایی که آن وقت حاشیه میزدند حاشیه بزنند ؛ یعنی جامعیت عروه، خوش سلیقه بودن سید در تنظیم کتاب عروه الوثقی و جهات فراوان امتیازی که این کتاب دارد، با اینکه ابواب فقهی اش کامل نیست، در عین حال همه ی توجهات روی این کتاب متمرکز شده ؛ این نشان دهنده ی برجستگی این کتاب و صاحب این کتاب است - [و] با اینکه در حوزه های علمی و در بین فقها اینقدر این شخصیت معروف است، ولی در بین مردم نه ؛ یعنی این چهره ی علمی برجسته ی با عظمت، شناخته شده نیست ؛ حالا شما دارید در واقع این کار را تدارک می کنید ؛ این بسیار کار خوبی است. [در کنگره ی] مرحوم آقای آسید محمد کاظم، چون کار علمی به جناب آقای استادی محول شده، انسان خاطرش آسوده است ؛ یعنی ایشان حقاً و انصافاً در این کار - مثل خیلی از کارهای دیگر - در حدّ نصاب کامل هستند و انسان خاطرش جمع است که ان شاء الله کار به اتقان پیش خواهد رفت ؛ مثل بعضی از کنگره ها و بزرگداشتها که غالباً به ظواهر پرداخته میشود [نخواهد بود]، ان شاء الله اینجا به عمق بیشتر نگاه خواهد شد.

در زمینه ی کارهای تحقیقی که ایشان اشاره کردند به کتابهای مرحوم سید (3)، بله همیچور است. چون کتابهای مرحوم سید از بس رائج بوده چاپ شده ؛ عمده عروه است که خب، الی ماشاءالله چاپ دارد ؛ بعد هم حاشیه ی مکاسب است که مجموعاً بهترین حاشیه ی بر مکاسب، حاشیه ی سید است ؛ اگر چه بعضی از حواشی دیگر - مثل حاشیه ی مرحوم آخوند و دیگران - امتیازات خاص خودشان [را] دارند، اما بر روی هم که نگاه کنیم، [از لحاظ] اتقان استدلال، جامعیت، پختگی فقهی، احاطه ی به ابواب گوناگون و استفاده ی از آنها در تنقیح مسئله، انصافاً حاشیه ی سید بی نظیر است. خب، این کتابها به خاطر اینکه مورد توجه بوده و ارزش ذاتی داشته، خودش رائج شده و احتیاج به این نبوده که مثلاً تجدید چاپ بشود. [به] کتاب «تعداد و تراجیح» هم نباید گفت رساله، کتاب مفصلی است، آن هم اخیراً چاپ شده، ظاهراً دو سه سال بیشتر نیست که من دیدم چاپ شده ؛ [یا] سؤال و جوابهای سید یا همان مطالبی که فرمودند ؛ خب، اینها کتابهای خیلی خوبی است که منتشر بشود ؛ لکن به نظر من در کنار اینها، تعمق و تحقیق در مبانی فقهی سید [لازم است] ؛ چون کتاب عروه کتابی است که حرفهای جدید در آن هست، حرفهای تازه در آن هست ؛ مبانی فقهی سید جمع بشود. ما عادت کردیم در طول زمان که وقتی نسبت به بزرگان بحث میکنیم، مثلاً می آیم همان کتاب او را تنقیح میکنیم، چاپ میکنیم ؛ بزرگداشت یک عالم این نیست. شما ببینید الان مثلاً وقتی که میخواهند در باره ی فلان حقوقدان فرنگی یا فیلسوف فرنگی بحث کنند، ناگهان می بینید از صد جا روی شاکله ی فکری او بحث میشود، کار میشود ؛ ما این کار را بکنیم. شاکله ی فقهی سید یزدی چیست و

خصوصیات مبانی فقهی او کدام است که او را از دیگران ممتاز کرده؟ جهات اختلاف او را با استادش میرزای شیرازی، با اساتید دیگرش، با شیخ، که حرفهای شیخ انصاری در حوزه ها رائج و متداول است، جهات خاص این بزرگوار را که شالکه ی فکری ذهنی فقهی تو را مشخص میکند در بیاوریم. به نظر من این یک تحقیق قوی میخواهد. حالا ممکن است در این مقالاتی که اشاره فرمودند (4)، چیزهایی در این زمینه باشد، اما بالاخره این جزو زمینه های کار است. ممکن است یک نفر آدم مّلا و فاضل بنشیند یک استنباطی بکند، یک مّلا ی فاضل دیگری هم جداگانه بنشیند کار بکند. به نظر من روی این باید کار کرد.

در مرحوم آسید محمد کاظم یزدی سه جهت به نظر من وجود دارد که این سه جهت در کمتر مّلابی در این سطح با همدیگر دیده میشود. یکی تسلط و تبحر و مهارت فقهی این مرد است؛ فقیه انصافاً بزرگی است. آن طور که خواندم من در همین نوشتجات - هم کتاب مرحوم مُنذر (5)، هم بعضی جاهای دیگر این را نقل کردند - مرحوم آخوند خراسانی که خب همین نوشتجات - هم کتاب مرحوم مُنذر، هم بعضی جاهای دیگر این را نقل کردند - مرحوم آخوند خراسانی که خب مستغنی از تعریف و توصیف است، ایشان را از لحاظ فقهی بر همه ی معاصرین خودش ترجیح میدهد؛ معاصرین ایشان مرحوم امیرزا محمدتقی شیرازی است - با آن مقام دقتی که آن مرد دارد - مرحوم آقای آسید اسماعیل صدر است که مّلا ی بزرگی است، همین جور مرحوم حاج آقا رضای همدانی است، مرحوم آسید محمد اصفهانی است، این بزرگانی که بودند. از آقای آخوند که سؤال میکنند که شما افقهید یا مثلاً آسید محمد کاظم، ایشان - ظاهراً تعبیر ایشان از مرحوم آسید محمد کاظم معمولاً «آقا» [است] - یک ابراز تردیدی میکند؛ بعد راجع به تفاضل مرحوم آخوند با دیگران میپرسند، ایشان میگوید وقتی آقا اینجور باشد، دیگران وضعشان روشن است! یعنی یک ترجیح واضحی را مرحوم آخوند نسبت به ایشان قائل است. این خیلی چیز مهمی است. یک معاصری آن هم در حدّ مرحوم آخوند خراسانی، اینجور یک معاصر خودش را مثلاً تجلیل کند، تعظیم کند؛ این خیلی مهم است. بنابر این جنبه ی علمی ایشان خیلی به نظر من برجسته است. هم در عروه این معنا واضح است، هم در حاشیه ی مکاسب این معنا واضح است. این یک جهت است در شخصیت این بزرگوار.

یک جهت دیگر، آن جهت تقوایی و ملاحظات فردی و شخصی و جهات معنوی است که این هم در نقلهای فراوانی که از ایشان میشود، واضح است. حتی در همین قضیه ی مشروطه، خب مرحوم آسید محمد کاظم جزو اولین کسانی است که مشروطه را امضاء کرد و قبول کرد در اول کار. وقتی مرحوم شیخ فضل الله نوری نوشت که یک چنین کاری در تهران دارد انجام میگیرد، جزو اولین کسانی که این را امضاء کردند و قبول کردند، مرحوم آسید محمد کاظم بود. بعد که اساسنامه - یعنی همان قانون اساسی - مطرح شد، ایشان گفت که من باید قانون اساسی را ببینم، من باید این که بنا است تأیید بکنم را ببینم. مرحوم آسید فضل الله از تهران نوشت که ما دیدیم، درست است، خوب است. خب، آسید فضل الله هم معاصر اینها بود، هم دوره ی اینها بود، مرد بزرگی بود، به او اطمینان داشتند. ایشان گفت نه، من خودم باید ببینم! این نهایت اهتمام این مرد را نشان میدهد که با اینکه کسی مثل شیخ فضل الله نوری که مورد قبول اینها بوده تأیید میکند، ایشان میگوید من [باید ببینم]؛ چون کار، کار بزرگی است، میفهمیده که کار ریشه دار و دنباله داری است، نمیشود این را با سهل انگاری از سر گذراند؛ که بعد هم قضایای بعدی تأیید کرد که همین درست بوده؛ یعنی باید از اول همین کار را میکردند. خود مرحوم شیخ فضل الله سر قضیه ی متمم قانون اساسی چه کشید در تهران! آخرش هم چه شد؛ هم ایشان، هم مخالفین ایشان از علمای بزرگ، به چه وضعی دچار شدند. این دقت و احتیاط این مرد را نشان میدهد در امر دین. این به نظر من خیلی مهم است. با اینکه فشار هم زیاد بود - یعنی شرائط، شرائط عادی نبود؛ فشار فکری، فشار سیاسی، از اطراف روی این مرد [بود]؛ عشایر نجف و اینها مرید ایشان بودند، لکن در خود حوزه ی نجف اغلب مخالف بودند - ایشان ایستاد. این هم جنبه ی تقوایی و معنوی این مرد.

جنبه سوم هم - که باز شاید بر میگردد به همین جنبه ی دوم - جنبه ی آمادگی برای جهاد است. قضایای مبارزه ی با انگلیسهای اشغالگر و جنگی که در عراق اتفاق افتاد، بر محور مرحوم آسید محمد کاظم یزدی میگردد. ایشان پسر خودش - مرحوم سید محمد - را فرستاد؛ البته مرحوم سید محمد در جنگ به شهادت نرسید، بعداً از دنیا رفت؛

لکن فرزند خودش را فرستاد. بزرگانی از علما آن وقت بودند - مرحوم سید علی داماد بود، مرحوم سید مصطفای کاشانی پدر مرحوم آقای کاشانی بود، بزرگان دیگری بودند - اما محور پسر مرحوم آسید محمد کاظم بود که خب همه به عنوان شخصیت برجسته ای دنبال او بودند. آمدند در مناطق جنوبی عراق - در همین مناطق مرزی ایران - جنگیدند، مبارزه کردند. من آن سفری که رفته بودم خوزستان چند سال قبل از این (6)، چند پیر مرد از بازمانده های دوران آن جنگ آمدند در یک جلسه ای با من ملاقات کردند، پرچم آن جنگ را برای ما آوردند - یک پرچم مندرس شده ی فرسوده ای بود - آن را دادند، گفتند این پرچم مرحوم سید محمد کاظم یزدی است ؛ عربهای خوزستانی خودمان به نسبت این پرچم به این بزرگوار توجه داشتند. بنابراین ایشان شخصیت جامع الاطراف بزرگی بوده. اگر در قضیه ی مشروطه نظر ایشان تأمین میشد و آن شرطی که ایشان گذاشته بود تحقق پیدا میکرد، بنده گمان میکنم مسیر مشروطه عوض میشد ؛ یعنی آدم احتمال میدهد که مسیر مشروطه عوض میشد، سهل انگاری هایی که انجام گرفت انجام نمیگرفت.

به هر حال ما خیلی متشکریم. من تأکید میکنم بر اینکه سعی کنید این کار عمقی برگزار بشود - خوشبختانه جناب آقای استادی تشریف دارند و دنبال می کنند همین معنا را - و کاری بشود که این شخصیت زنده بشود در چشم عامه ی مردم [تا] افکار عمومی بشناسند این مرد بزرگ را.

والسلام علیکم و رحمه الله

1) به دنبال اشاره ی رهبر معظم انقلاب در جریان سفر ایشان به استان یزد در سال 1386 در خصوص برگزاری کنگره ی بزرگداشتی برای مرحوم آسید محمد کاظم طباطبایی، به همت نماینده ی ولی فقیه در استان یزد و استانداری یزد، برگزاری این کنگره پیگیری شد.

2) کتاب العروة الوثقی، در فقه

3) اشاره ی مسئول کمیته ی علمی کنگره به اینکه تالیفات ایشان محدود بوده و عبارتند از: حاشیه بر مکاسب محرّمه، عروه الوثقی و ملحقات آن، رساله ی تعادل و تراجیح، رساله جواز اجتماع امر و نهی، رساله منجزات مریض، رساله حکم شک در نماز، صحیفه کاظمیه، کتاب سئوال و جواب (دو جلد)، الهی نامه، کلمات قصار (الکلم الجامعه و الحکم الثافعه) و... ؛ بنا است بیشتر این آثار (که در حدود بیست عنوان است) در کنگره به چاپ برسد ولی آثاری که چاپهای خوبی از آنها موجود است مجدداً¹ چاپ نخواهد شد.

4) اشاره ی مسئول کمیته علمی کنگره به هماهنگیهای انجام شده با مجلات تخصصی برای تهیه ی حداقل چهل مقاله ی خوب و انتشار آنها تا زمان برگزاری کنگره.

5) "آیه الله العظمی سید کاظم طباطبایی یزدی، پرچمدار عرصه ی جهاد و اجتهاد" نوشته ی مرحوم حجه الاسلام علی ابوالحسنی (منذر)

6) سفر رهبر معظم انقلاب به استان خوزستان در اسفند ماه 1375